

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران را در باره ارزیابی اصلاح ارضی رژیم و ضرورت گسترش مبارزات دهقانی در صفحات ۳ و ۴ مطالعه فرمائید.

ماهنامه

## در مراسم آخرین بدرود با رفیق فقید کامبخش

روز سه شنبه ۲۵ آبانماه ۱۳۵۰ رفقا و دوستان رفیق فقید عبدالصمد کامبخش دبیر کمیته مرکزی حزب توده ایران با وی مراسم بازپسین بدرود را بعمل آوردند. این مراسم در محیط ماتم همگانی، در محیط یاد آوری خدمات پر ارز رفیق فقید و تجدید پیمان نسبت بر ابراهیم که آن فقید تمام زندگی آگاهانه خویش پوینده آن بود، برگزار شد. در این مراسم

سخنرانی رفیق اسکندری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران

دوستان گرامی، رفقا! امروز مراسم تأثر بار آخرین تودیع و اداء احترام را نسبت به رفیقی انجام میدهیم که یکی از قدیمی ترین مبارزان راه نهضت نمود و در پایان ازود: خاطره کامبخش در نزد کارگران و مردم زحمتکش ایران عزیز است و هیچگاه خدمات پر ارجی که وی در راه تحقق آرزوها و آرمانهای عالی طبقه

# مردم

## ارگان مرکزی حزب توده ایران

### درگذشت رفیق عبدالصمد کامبخش

دبیر کمیته مرکزی و عضو هیئت اجرایی حزب توده ایران

روز چهارشنبه ۱۹ آبانماه رفیق کامبخش دبیر کمیته مرکزی و عضو هیئت اجرایی حزب توده ایران، یکی از مبارزان پرسابقه و از پیش کسوتان جنبش کمونیستی کشور و یکی از مجاهدان بنام جنبش کمونیستی و کارگری جهانی در اثر سکت قلبی جهان را بدرود گفت.

بدین مناسبت اعلامیه ای از طرف کمیته مرکزی حزب توده ایران صادر شد که بصورت ضمیمه مردم جداگانه نشر یافته است.

هیئت تحریریه مردم این ضایعه بزرگ را به همه رفقای حزبی، همه دوستان و بازماندگان و بویژه بهمسر و برادر رفیق فقید کامبخش تسلیت میگوید.



### پیگار جهانی اتحاد شوروی

### در راه حفظ و تحکیم صلح

در ماههای اخیر جهان شاهد فعالیت صلحجویانه عظیمی است که به رهبری اتحاد شوروی انجام میگردد. سفر رهبران حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی به کشورهای مختلف جهان، و مذاکرات پر حاصلی که در زمینه های گوناگون با سران یکسده از کشورها انجام گرفته است، نشانه مشخص این فعالیت است. این فعالیت و تحریک پر دامنه را چگونه باید تفسیر کرد؟ در روزنامه های بورژوازی غرب در این باره حدسیات تقریباً روزی نیست که در باره مذاکرات و انعقاد قرار داد های اقتصادی با کشورهای امپریالیستی، اخذ وام و اعتبار از منابع انحصارات خارجی، و جلب سرمایه های خصوصی از کشورهای عمده سرمایه داری خبری در مطبوعات ایران درج نگردد. با آنکه محافل دولتی همیشه در باره منافع و محاسن این مذاکرات و قرار داد ها و بدست آوردن امتیازات بیسابقه در آنها تبلیغات وسیع

### سیاست محرمانه اقتصادی

### یا بند و بست پشت پرده با غارتگران

راه میاندازند و به خودستایی میپردازند، ولی هرگز افکار عمومی را از چگونگی این مذاکرات، محتوی کامل این قرار داد ها و شرایط واقعی این وامها و اعتبارات، جز در موارد و در حدودی که خود لازم می شمارند، مطلع نمیسازند. سبب چیست که بانک مرکزی متن کامل موافقتنامه های اقتصادی و قرار داد های بازرگانی و مالی و فنی ایران را با

کارگری ایران و یکی از با سابقه ترین اعضای حزب توده ایران است. رفیق فقیدما عبدالصمد کامبخش نزدیک به نیمقرن از عمر خویش را در این راه گذاشت و تا آخرین لحظه حیات، آنی از راه پر افتخار طبقه کارگر، از راه وفاداری به اصول مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالسم پرولتری سر بر تنافت. سپس ناطق نکاتی از اعلامیه کمیته مرکزی را قرائت

## در مراسم آخرین بدرود با رفیق فقید کامبخش

آزادی میهن، در راه تحقق آرمانهای والای طبقه کارگر ایران، برای ترقی و اعتلاء ایران بود، سر تعظیم فرود آورد و این ضایعه را بهمه رفقای حزبی، بهمه دوستان و بازماندگان رفیق فقید، بویژه بهسر وفادارش دکتر اختر کامبخش تسلیت گوید.

درد به خاطره تابناک رفیق و دوست عزیز ما عبدالصمد کامبخش!

## سخنرانی رفیق کیانوری عضو هیئت اجرائیه کمیته مرکزی

اسارت امپریالیسم و ارتجاع کرد و تا آخرین نفس در این راه بدون وقفه فعالیت نمود. او از همان اوان جوانی، در سن ۱۸-۲۰ سالگی به جنبش مترقی ایران پیوست. جهت گیری سیاسی او از انقلاب اکثر بود و همین جهت گیری را در زندگی پر تلاطم آینده حفظ کرد. در سن ۲۱ سالگی، ریب کمونیست ایران پیوست و طی ۵۰ سال، حتی یک لحظه در این راه پر افتخار از خود تزلزل نشان نداد.

توفیقهای مکرر، فشار زندان، و دیگر فشارهای ارتجاع اراده او را برای ادامه مبارزه دچار سستی نساخت. او دانش و تخصص خود را وسیله‌ای برای مبارزه انقلابی دشوار در شرایط اختناق پاپی ساخته بود.

سال ۱۹۳۴ تاریخ درخشانی از زندگی این مبارز انقلابی است. در این سال یکم دو چهره درخشان انقلابی دیگر یعنی دکتر تقی ارانی و سرهنگ شهید سیامک حزب کمونیست ایران را که از هم پاشیده بود دوباره تأسیس کرد. در همین دوره است که کامبخش بعنوان یک معلم واقعی بدون اینکه هرگز بطور مستقیم با من بحث کند خلط عمده راهی را که من بعداً در زندگی اب کردم، در مقابل من ترسیم نمود و مرا در سمت درست قرار داد.

کامبخش پایه گذار و سازمان ده اولین سازمان افسری حزب توده ایران بود. سازمانی که از افتخارات جنبش توده‌ای است. او نه تنها این سازمان را با همکاری بهترین عناصر انقلابی ارتش ایران پایه گذاری کرد بلکه در بحرانی ترین دوران برای حفظ این سازمان (بویژه پس از وقایع آذر ۱۳۲۵) تلاش کرد.

بطور کلی موضع گیری کامبخش در چارچوب فعالیت رهبری حزب همیشه تلفیق کامل دو خصوصیت عمده او یعنی چهره درخشان انسانی و خصوصیات برجسته انقلابی او بود.

او همیشه در راه ایجاد و تحکیم وحدت همه نیروهای سالم درون حزب عمل میکرد. نام کامبخش بعنوان یکی از درخشانترین چهره های جنبش انقلابی ایران و یکی از بزرگترین فعالین جنبش کمونیستی و کارگری جهانی در تاریخ ثبت خواهد بود.

سیاسگزاری میکنیم و اطمینان میدهم که نهضت کارگری ایران هیچگاه اینهمه برادری و مهربانی، همبستگی و صمیمیت را از یاد نخواهد برد.

در این لحظه غم انگیز که آخرین مراسم تودیع کامبخش انجام میشود کمیته مرکزی حزب توده ایران وظیفه خود میدانند که در برابر پیکر بیجان آنکه سراسر زندگی وقف مبارزه در راه استقلال و

برای من بسیار دشوار است در این روز پر درد صحبت کنم. کامبخش برای من تنها خویشاوند نزدیک نبود، او برادر بزرگ، دوست، معلم و سرمشق من بود. از آشنائی من با کامبخش ۴۵ سال میگذرد. در آغاز این آشنائی من کودک یک یازده ساله بودم و او در همان اولین برخورد روح مرا برای سراسر عمر جلب کرد. با وجود تماس های کمی که در آن ایام بین ما وجود داشت وی خیلی زود بصورت نمونه برجسته یک انسان مورد علاقه من در آمد و قدم بقدم مرا در راه مبارزه برای آزادی و خوشبختی خلقهای ایران کشانید.

نمیخواهم امروز درباره راه طولانی و پر رنج مبارزه انقلابی کامبخش و نقش او در مجموعه جنبش توده‌ای ایران صحبت کنم. تنها مایلم درباره دو خصوصیت عمده این چهره درخشان چند نکته را یاد آوری نمایم:

کامبخش یک انسان بزرگ بود. کامبخش یک انقلابی پی گیر بود. کامبخش دارای همه آن صفات عالی بود که ما برای یک انسان واقعی قائل هستیم؛ او بمعنای کامل کلمه انسانی شریف بود، با محبت بود، هر کس که او را میشناخت این صفت او را بطور بارزی احساس میکرد. او عمقاً شریک درد و رنج دیگران بود و با آنها رنج میدرد. او نمونه گذشت و فداکاری بود و از هیچگونه کمک برای کم کردن رنج دیگران خودداری نمیکرد. او بردبار و صبور بود و هر سختی را با روی باز تحمل میکرد. این خصوصیات بزرگ انسانی او را در میان همه دوستانش برجسته میساخت و در عین حال موجب میشد که زندگی و مبارزه سیاسی با رنج فراوان همراه باشد.

کامبخش یک انقلابی واقعی بود؛ عمیق، آگاه، مبارز، پیگیر، خستگی ناپذیر اصولی و بی تزلزل بود. وی نمونه کامل تلفیق میهن پرستی انقلابی و انترناسیونالیسم پرولتری بود. او از همان آغاز جوانی زندگی خود را بی چون و چرا وقف مبارزه در راه آزادی خلقهای ایران از بندهای راه می یابند.

هم اکنون بیش از ۵۰ در صد جمعیت دنباله در صفحه ۶

## برنامه آموزشی دولت آینده امید بخشی را نوید نمیدهد

«سخنرانی‌ها» مسکوت گذارده میشود افزایش روز افزون کودکانی است که هر سال به سن تحصیل میرسند. جمعیت ایران که در سرشماری سال ۱۳۴۵ کمی بیش از ۲۵ میلیون نفر بود امروز به سی میلیون نفر رسیده است. اگر حتی این ادعا را بپذیریم که تعداد دانش آموزان ابتدائی در پنج سال اخیر از ۲ میلیون به بیش از ۳ میلیون نفر رسیده است، این واقعیت را نیز باید قبول کنیم که طبق آمارهای دولتی آهنگ رشد آموزش برآورد کند تر از آهنگ رشد جمعیت است.

در برنامه دولت از تعمیم آموزش بعد از دبستان و گسترش مدارس حرفه‌ای سخن رفته است. تا جائیکه بتواند «کادرهای لازم را برای پیشرفت آینده کشور تأمین کند.» بی توجهی کامل به ایجاد و گسترش شبکه مدارس فنی-حرفه‌ای و کوشش در تعمیم هرچه بیشتر سیستم غربالی آموزش بعد از دبستان چنین آینده‌ای را نوید نمیدهد. مسئولین آموزش و پرورش کشور پنهان نمیکنند که هدف از ایجاد موانع در سر راه آموزش بعد از دبستان راندن هرچه بیشتر جوانان از تحصیل و «ایجاد فضا» در دانشگاههای کشور است. مدارس راهنمایی تحصیلی که از امسال شروع بکار کردند چنین وظیفه‌ای را بهعهده گرفته‌اند. در دوره های سه ساله «مدارس راهنمایی» است که باید «استعدادهای دستچین شود و «غربال‌ها» با شدت بیشتری عمل کنند.

در سالهای اخیر با موانع متعددی که در راه تحصیل جوانان ایجاد کرده‌اند دسترسی بآموزش بعد از دبستان بویژه برای فرزندان خانواده های زحمتکش بیش از گذشته دشوار گردیده است. کاهش تدریجی مدارس دولتی و میدان دادن به بخش خصوصی آموزش که در این زمینه آزاد و بی مسئولیت عمل میکند سبب کاهش در صد جوانان در دبیرستانها گردیده است. آمارهای وزارت آموزش و پرورش تعداد دانش آموزان دبیرستانها را در مقایسه با سالهای پیش اندکی بیشتر نشان میدهد. ولی آمارهای مؤسسات دیگر دولتی تا کبد میکنند که تعداد جوانانی که بسن آموزش بعد از دبستان رسیده‌اند برآورد بیش از آن افزایش یافته است.

اکنون ما با این واقعیت روبرو هستیم که نزدیک به ۷۰ در صد مردم کشور ما سواد خواندن و نوشتن ندارند. هر سال بیش از نیمی از کودکانی که بسن تحصیل میرسند پشت در مدارس می مانند. از هر صد کودک که بمدرسه میروند فقط بیست تا سی نفر آنها کلاس ششم ابتدائی را پایان میدهند. تنها ۱۷ در صد آنها پای به دبیرستان می نهند و از این عده فقط یک در هزار بدانشگاه

کمبود مدارس ابتدائی، محدودیت های چشم گیر آموزش متوسطه، وضع ناهنجار دانشگاهها و مدارس عالی، کمبود آموزگار دبیر و استاد، وجود برنامه های عقب مانده آموزشی، شهریه های سنگین تحصیلی، فشارهای روحی و جسمی که در تمام مراحل تحصیل بر کودکان، نو جوانان و جوانان وارد میاید سیستم آموزش ایران را ناهنجار بی محتوی و غیر قابل تحمل نموده است.

زمامداران کشور در هر فرصت از «پیشرفت، تحول و بهبود» آن سخن میگویند. آنها با اعتراف به «کیفیت نازل سیستم آموزشی کشور» هر بار «کمیته چشم گیر» آنرا بر خ میکشند. شاه در سخنرانی خود در مجلس از یک تحول بزرگ آموزشی در سالهای انقلاب سفید سخن گفته است. هویدا نیز ارقامی در تأیید این تحول بزرگ ارائه داده است. ولی نه شاه در سخنرانی طولیل خود و نه هویدا در تشریح برنامه دولت خویش واقعیت سیستم آموزشی ایران را بیان نکرده‌اند.

شاه میگوید ما در پیکار با بیسوادی پیروز شده‌ایم. این «پیروزی» را هویدا با ارقام نشان میدهد. بنادعای او در مدت نزدیک به دهسال که از پیکار با بیسوادی میگذرد در سراسر ایران یک میلیون و ۵۵ هزار نفر با کمک ۶۴ هزار سپاهی دانش با سواد شده‌اند. مجموع کل بیسوادان از هفت سال به بالای کشور در سخنرانی آقای هویدا از ۷۵ در صد در سال ۱۳۴۱ به ۶۴ در صد در سال ۱۳۵۰ کاهش یافته است. اگر این نو سوادان را که بنا باعتراف مکرر مسئولین آموزش و پرورش بسیاری از آنها فقط در آمارهای دولتی با سواد شده‌اند و عده کثیر دیگری را که پس از یکی دو ماه آموخته های خود را فراموش کرده‌اند به گروه با سوادان کشور بیافزاییم در حال حاضر باز با جمعیتی در حدود ۱۷ میلیون بیسواد از هفت سال به بالا روبرو هستیم.

آقای هویدا در برنامه جدید دولت خود برای مبارزه قطعی با بیسوادی دهسال دیگر وقت خواسته است. او توجه ندارد که در دهسال گذشته با تمام جنجالی که بعمل آمده است فقط به یک میلیون نفر سواد آموخته‌اند. نباید فراموش کرد که مبارزه با بیسوادی در ایران از خرداد ماه ۱۳۱۵ شروع شده است و این «مبارزه» ۳۵ سال است که ادامه دارد. این دومین دهسال رسمی است که گردانندگان انقلاب سفید برای مبارزه کامل با بیسوادی طلب میکنند. در سال ۱۳۴۱ شاه گفت: من در عرض دهسال بیسوادی را ریشه کن خواهم کرد! موضوع بسیار مهمی که اغلب در

# اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره ارزیابی اصلاح ارضی رژیم و ضرورت گسترش مبارزات دهقانی

مهر ماه امسال پایان اصلاح ارضی یعنی پایان مرحله فروش زمین به دهقانان از طرف مقامات رسمی اعلام شد. ده سال پیش رژیم ایران اجرای برخی رفرمها را آغاز نمود که در رأس آنها اصلاحات ارضی قرار داشت. بخشی از هیئت حاکمه، تجدید نظر در سیستم قرون وسطائی ارباب - رعیتی را در اثر یک سلسله عوامل داخلی و خارجی - اقتصادی و سیاسی به ناگزیر قبول کرد و سیاست راندن اقتصاد روستائی را در راه سرمایه داری رشد اتخاذ نمود. حزب توده ایران کراراً در اسناد پلنوها، مطبوعات و گفتارهای رادیویی خود این علل را توضیح داده است و در اینجا مجال تکرار نیست. ولی در این زمینه یاد آوری یک نکته مهم ضروری است و آن اینست که اجرای این رفرمها صرفاً ثمره فرعی مبارزات چندین دهساله مردم زحمتکش ایران و پیشاهنگ آنان حزب طبقه کارگر ایران حزب توده ایران است.

حزب توده ایران در آغاز تأسیس خود یعنی ۳۰ سال پیش ضرورت لغو سیستم ارباب رعیتی و تقسیم بلا عوض کلیه زمینهای اربابی، سلطنتی، خالصه و موقوفه را بین دهقانان بی زمین و کم زمین مطرح نمود و آنرا یکی از شعارهای اساسی مبارزه خود قرار داد. ولی هیئت حاکمه با عناد تمام سرسختی نشان میداد و از تحقق خواستههای دهقانان با تمام قوا سر باز میزد. حتی زمانی هم که هیئت حاکمه مجبور به تجدید نظر در سیاست گذشته و عقب نشینی در برخی زمینهها شد، از همان آغاز کوشید تا این عقب نشینی را به حداقل ممکن محدود سازد و آنرا در چارچوب منافع نمایه داران و زمین داران بزرگ نگاه دارد.

\*\*\*

اکنون در پایان مراحل دو گانه فروش زمین به دهقانان، دیگر با قاطعیت میتوان گفت که زمینهای وسیعی در ملکیت زمینداران بزرگ، شاه و خانواده سلطنتی، دولت و موقوفه خواران باقی مانده است و اصلاحات ارضی در شرایط غیر دموکراتیک و بدون دخالت دهقانان انجام یافته است.

مالکان بزرگ، توانستند استفاده از مزایای قانونی، با توسل به تقلب و زور، بند و بست با مأموران دولتی، بیرون راندن دهقانان از ده و اجار آنان به فروش حقوق خویش و نیز از طریق باصطلاح مکانیزاسیون و غیره املاک وسیعی را از شمول قانون خارج کنند و در تصرف خویش نگاه دارند.

بویژه در مرحله دوم اصلاحات ارضی دولت به عقب نشینی بزرگی در برابر مالکان دست زد. در این مرحله مالکان با انتخاب شق اجاره، هم ارضی پنهان خویش را در ملکیت خود نگاه داشتند و هم به استثمار

دهقانان ادامه دادند. دولت که در اثر فشار و مبارزه بیش از ۱۳۰۰۰۰۰۰۰۰ خانوار دهقان مستأجر ناگزیر لایحه «فروش املاک استیجاری» را بمجلس برد، در برابر مقاومت و شانتاژ مالکان عقب گرد نمود و این لایحه را به قانون «تقسیم و فروش املاک استیجاری بر حسب بهره مالکانه» تبدیل کرد و اکنون پس از گذشت سه سال از تصویب قانون و تمدید مکرر مهلت های قانونی بسود مالکان، پایان «مرحله تقسیم و فروش املاک استیجاری» اعلام شده، بی آنکه دولت افکار عمومی را در جریان چگونگی اجرای این قانون گذارده باشد. هنوز معلوم نیست از بیش از ۳۰۰ هزار موردی که مالکان املاک خود را به اجاره واگذار کرده بودند چه تعداد از آنان شق تقسیم و چه تعداد شق فروش را انتخاب کردند، و از ۱۳۰۰۰۰۰۰۰۰۰ خانوار دهقان مستأجر سرانجام چه تعدادی موفق به خرید نسق زراعتی خود شده اند. چون بیم آن هست که مالکان با تحمیل شق تقسیم، بخش بزرگی از نسق زراعتی دهقانان را مالک شده باشند، ما مصرأ از دولت میخواهیم که نتیجه اجرای این مرحله را بر اساس اطلاعات وارقام روشن، صریح و بی خدشه سریعاً اعلام نماید.

\*\*\*

هم اکنون در پایان اصلاحات ارضی هنوز زمینهای پهناوری از مرغوب ترین و حاصلخیز ترین زمینهای زراعتی کشور در ملکیت مالکان بزرگ باقی مانده است.

از مجموع ۲۱۶۷ ده متعلق به شاه، طبق آمار رسمی دولتی فقط ۵۱۷ ده به ۴۲۰۰۰ خانوار دهقان فروخته شده و سر نوشت بیش از ۱۶۰۰ ده کماکان نامعلوم است.

از تعداد ۶۰۰۰ ده موقوفه اکثریت مطلق آن هنوز در تملک موقوفه خواران است و تازه پس از گذشت دهسال از اصلاحات ارضی، دولت وعده میدهد که این اراضی را در آینده ای نامعلوم به دهقانان خواهد فروخت. دولت از واگذاری تمام املاک خالصه به دهقانان سر باز میزند تا آنرا به سرمایه داران داخلی واگذار کند.

۶۸۰۰۰ هکتار از اراضی زرخیز خوزستان و هزارها هکتار از اراضی زیر سدسفيدرود به انحصارات امریکائی، انگلیسی، فرانسوی و دانمارکی بمنظور ایجاد شرکت های کشت و صنعت واگذار شده است. این انحصارات ارضی وسیعی از ۵۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰ هکتار را به اجاره گرفته اند تا با استفاده از کمکهای همه جانبه دولت از نظر تأمین آب و برق و راه و شرکت در سرمایه گذاری و نیز با استفاده از نیروی کار ارزان

کارگران کشاورزی سودهای هنگفت از کشور خارج کنند.

رژیم ایران اولاً از یکسو با عقب نشینی های مکرر بسود مالکان، با واگذاری سهام کارخانه های دولتی، پرداخت ۶ درصد سود به قبوض اصلاحات ارضی، واگذاری ارضی بابر، پرداخت سه میلیارد ریال بابت قسط اول بپای املاک واگذاری و وامهای کلان، با ایجاد تسهیلات عدیده و تغییر و تبدیل مکرر قوانین و آئین نامه های اجرائی اصلاحات ارضی کوشید مالکان را حتی الامکان راضی نگاه دارد و آنها را به راه استثمار سرمایه داری در کشاورزی سوق دهد، ثانیاً سرمایه انحصاری امپریالیستی را با تمام قوا در کشاورزی رخنه میدهد و برای جلب آن همه گونه شرایط و تسهیلات فراهم میکند و از سوی دیگر با اعمال انواع فشارها مبارزه دهقانان را سرکوب مینماید و میکوشد تا با درآمیختن شیوه های فریب و اختناق فریاد حق طلبانه دهقانان را خاموش کند.

ولی دهقانان مبارز ایران در تمام این سالها علیرغم همه فشارها، به اشکال مختلف و متنوع به مبارزه ادامه دادند. عدم پرداخت بهره مالکانه و اجاره بها، ضبط زمینهای مالکان، جلوگیری از ورود مالکان به ده، مقاومت در برابر ژاندارمها، مقابله با یورش های واحد های نظامی به ده و زرد و خورد با آنها، ممانعت از دستبرد مأموران دولتی و مباشران مالکان به خرمن، عدم توافق با مالکان بر سر تقسیم زمین به نسبت بهره مالکانه ارسال نامه ها و تلگرافهای جمعی به مطبوعات، مراجعه با دادرز روزنامه ها، تحصن در تلگرافخانه ها و ادارات پست و افاشاء مأموران فاسد دولتی از جمله اشکال متنوع مبارزات دهقانان در دهسال اخیر در نقاط مختلف کشور است. در جریان این مبارزات چه بسیار از دهقانان که بازداشت و زندانی شدند، روانه تبعید گردیدند و گاه حتی به قتل رسیدند.

\*\*\*

زاممدران ایران مدعی اند که اکنون در خاتمه اصلاحات ارضی زراعتی در سراسر کشور وجود ندارد که مالک نسق زراعتی خود نباشد ولی این دروغ آشکاری بیش نیست:

— بسیاری از خانواده های دهقانی به علت باصطلاح مکانیزاسیون کشاورزی، نسق خود را از دست داده و به کارگران کشاورزی و زارعان مزد بگیر بدل شده و میشوند؛ — دهقانانی که بر روی بیش از یک میلیون هکتار ارضی باغها و قلمستانها کار میکنند، سهمی از اصلاحات ارضی نبرده اند و همچنان بصورت دهقانان مزارعه کار و یا اجاره دار، ثمره زحمتشان به جیب مالک ریخته

میشود،

— دهقانان ارضی مرغوب واقع در محدوده شهرها و دهقانان صیفی کار مشمول قانون نشده اند و مالکان با همان شیوه های گذشته آنانرا استثمار میکنند،

— در مرحله دوم بنا بر شق باز خرید حق ریشه زارعین، ۱۷۱۵۷ خانوار زارع کلیه نسق خود را از دست دادند که به تصاحب مالکان درآمد،

— در مرحله دوم بنا بر شق تقسیم به نسبت بهره مالکانه ۱۵۵۶۸۲ خانوار زارع قسمتی از نسق خود را از دست دادند که به تصاحب مالکان درآمد،

— نتیجه اجرای قانون «تقسیم و فروش املاک استیجاری» هنوز معلوم نیست و مطمئناً عده ای از مالکان با تحمیل شق تقسیم به دهقانان بخش بزرگی از نسق زراعتی آنانرا مالک شده اند،

— علاوه بر این گروههای انبوه که همه مربوط به دهقانان صاحب نسق است، اکنون در پایان اصلاحات ارضی:

— صدها هزار خانوار دهقان بدون نسق امید خود را بدریافت زمین از دست داده اند.

— دهقانانی که در مرحله اول زمین خریده اند بار سنگین پرداخت بیش از ۱۰ میلیارد ریال فقط بابت بهای زمین، پرداخت آب بها و حق عضویت شرکت های تعاونی روستائی را بر دوش دارند.

— دهقانان مشمول مرحله دوم قسط زمین، اجاره بها، آب بها و حق عضویت شرکتهای تعاونی روستائی را میپردازند،

— دهقانان کم بنیه عضو شرکتهای سهامی زراعتی در معرض استثمار شدید مالکان سهامدار و عده ای از آنان در خطر از دست دادن زمینهای خود هستند،

— شرکتهای تعاونی روستائی هم از نظر کیفی و هم از نظر کمی قادر برساندن کمکهای ضروری به دهقانان نیستند، اعتبارات کشاورزی بطور عمده در اختیار مالکان سرمایه دار و سرمایه داری آورده اند،

— دهقانان در چنگال رباخواران و سلف خران اسیرند، گاه خشکسالی و گاه سیل و زمانی آفت ثمره کارشان را به هیچ بدل میکند.

\*\*\*

وضع کشاورزی کشور در مجموع اسف بار است. رشد کشاورزی در تمام سال های برنامه های سوم و چهارم حتی کماف رشد جمعیت را هم نداده است. هر سال میلیونها ارز ملکیت بخارج میرود و مواد غذایی وارد میشود. خلاصه آنکه اصلاحات ارضی رژیم دنباله در صفحه ۴

## اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران در باره

## ارزیابی اصلاح ارضی رژیم و ضرورت گسترش مبارزات دهقانی

مسئله ارضی را بمعنای واقعی و دموکراتیک آن حل نکرد. ولی این بدان معنا نیست که در روستای ایران حادثه ای رخ نداده است. زیرا همین اصلاحات ارضی محدود، به سیستم قرون وسطایی ارباب - رعیتی ضربات جدی وارد آورده، مواضع سیاسی و اقتصادی مالکان نیمه فئودال را بشنا به یک طبقه تضعیف کرده، استثمار نیمه فئودالی را تعدیل نموده و بر تعداد دهقانان صاحب زمین در مجموع افزوده است، ولی این هنوز بمعنای حل مسئله ارضی نبود دهقانان نیست.

با آنکه بسط سرمایه داری در کشور گمرک شدی مانند ایران میتواند نیروهای مولده را تا حد معینی تکامل بخشد و به بسط بازار داخلی کمک کند، ولی نه تنها قادر به حل تضادهای موجود نیست، بلکه تضادهای جدیدی نیز به همراه خواهد آورد، قشر بندی در میان دهقانان را تسریع خواهد نمود و هر روز عده بیشتری از دهقانان بر اثر تشدید قشر بندی از زمین رانده شده و به گروه کارگران مزدور شهر و ده و یا بصوف بیکاران خواهند پیوست. وجود اضافه جمعیت روستایی موجب خواهد شد تا عده ای از مالکان به شیوه های سنتی استثمار دهقانان ادامه دهند.

بدینسان حل رادیکال مسئله ارضی و اجرای شعار «زمین از آن کسی است که آنرا میکارد» همچنان در دستور مبارزه نیروهای ملی و مترقی است که باید در مرحله انقلاب ملی و دموکراتیک آنرا بانجام رسانند. حزب توده ایران برای این مرحله طرفدار انجام یک رفورم ارضی بنیادی همه جانبه توسط دولت ملی و دموکراتیک بر اساس رعایت منافع طبقاتی دهقانان زحمتکش و با شرکت خود آنان است، بنحوی که کلیه زمینهای مالکان، املاک سلطنتی، موقوفه و خالصه بدون استثناء به دهقانان و به شرکتهای دهقانی بطور رایگان واگذار شود. امکانات مالی و اقتصادی و سازمانی و علمی و اداری دولت در خدمت تولید کشاورزی و رشد آن و تهیه وسایل مورد نیاز روستائیان زحمتکش و تمام و نهایه آنرا قرار داده شود و بالاخره در زمینه بهسازی دهات و تأمین بازار فروش محصولات و ساختن راهها و امور بهداشتی و آموزشی دولت ملی و دموکراتیک مستو - لیت مشخص بر عهده گیرد.

تا ایجاد شرایط مساعد عینی و ذهنی برای انقلاب و انجام اصلاح ارضی دموکراتیک بمفهوم فوق وظیفه همه نیروهای ملی و مترقی است که برای تحقق خواستهای مبرم دهقانان مبارزه کنند و رژیم را به عقب نشینی های بیشتر در این زمینه مجبور سازند.



حزب توده ایران بشنا به مدافع پیگیر حقوق دهقانان زحمتکش خواستار آنست که:

## بیکار جهانی اتحاد شوروی

## در راه حفظ و تحکیم صلح

شود، و اختلافات موجود که بسیاری از آنها سابقه طولانی دارند - از راه مذاکرات صلح آمیز، بر اساس احترام متقابل و تساوی حقوق حل و فصل گردد.

رفیق لئونید برژنف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، در سفر خود به جمهوری فرانسه، در نطق های متعدد خود، اصول سیاست خارجی اتحاد شوروی را توضیح داد.

بدیهی است که اجرای سیاست همزیستی مسالمت آمیز، بمعنی مواضعه کشور های دارای سیستم های مختلف اجتماعی با یکدیگر نیست. همزیستی مسالمت آمیز، بهیچوجه لزوم و امکان مبارزه در صحنه های مختلف سیاسی اجتماعی، ایدئولوژیک و اقتصادی را نفی نمی کند، بالعکس به کشور های سوسیالیستی امکان میدهد، که در شرائط مناسب تر، برای اثبات نفوق و ارجحیت سیستم اجتماعی سوسیالیستی بر سیستم سرمایه داری کوشش کنند.

در مطبوعات بورژوائی غرب ادعا میشود که گویا ابتکار بزرگ صلح شوروی، ناشی از نزدیکی جمهوری توده ای چین با ایالات متحده امریکاست. شواهد انکار ناپذیر فراوانی نشان میدهد که سابقه سیاست صلح اتحاد شوروی، بسیار بسیار طولانی تر از حادثه نزدیکی چین و امریکاست. صلحجویی و سیاست صلح، در اساس خود ناشی از سیاست رژیم سوسیالیستی شوروی است. اتحاد شوروی برای توسعه و تکامل اقتصادی و اجتماعی خود به جنگ و اعمال زور احتیاج ندارد، در جستجوی تصاحب سرزمین های تازه، تسلط بر بازار های فروش و منابع

بزرگ در جهان امروز مواضع سستی است که میتوان و باید از طریق مبارزه بر آن ضربه وارد ساخت. هرگز سعادت و موفقیت خود بخود بسراغ شخص نیاید. حصول پیروزیهای بزرگ و کوچک نیز بدون مبارزه محال است. اگر دهقانان ایران در زیر شعار های واقعی و با استفاده از همه امکانات بشکل صحیح و جمعی دست بمبارزه بزنند، دیر یا زود بهندهای خود دست می یابند.

وظیفه همه عناصر مترقی در شهر و ده کمک باین مبارزه عادلانه دهقان ایرانی است که هنوز باید راه دراز و دشواری را برای تأمین حقوق حقه خود طی کند.

حزب توده ایران توجه به متشکل ساختن مبارزات دهقانی را از وظایف اعضای خود و همه عناصر مترقی می شمارد و بنوبه خود کلیه مساعی را برای کمک باین مبارزه مبذول خواهد داشت.

پیروز باد مبارزه بحق دهقانان ایران در راه تأمین حقوق خود!

مواد خام نیست. در اتحاد شوروی و در جامعه کشور های سوسیالیستی، امکانات انسانی، مادی و معنوی بی حد و مرزی وجود دارد که آنها را از هر گونه تسلط طلبی

بی نیاز میکند. بدین ترتیب، مربوط ساختن تعرض بزرگ صلح اتحاد شوروی به نزدیکی چین و امریکا، امری است بکلی موهوم. بدیهی است که دولت اتحاد شوروی، بعنوان یک دولت بزرگ که در تحول اوضاع جهان نقش درجه اول دارد، نمیتواند در فعل و انفعالاتی که در صحنه بین المللی روی میدهد بیطرف بماند. در جریان فعل و انفعالات ماههای اخیر میان چین و امریکا و فعل و انفعالات دیگری که در طول بیش از پنجاه سال اخیر در جهان روی داده است، آنچه

همیشه ثابت بوده است استراتژی صلح اتحاد شوروی است. ولی در هر دوره میتواند و باید برای تحقق این سیاست استراتژیک، تاکتیک های متناسب اتخاذ کند. مبارزه پیگیر برای تحقق استراتژی صلح، با تکیه به تاکتیکهای متغیر، امر تازه ای نیست. سیاست خارجی اتحاد شوروی، همیشه بدین ترتیب تدوین شده است. جز این هم معقول و منصور نیست.

یکی از هدفهای مهم سفر رفیق لئونید برژنف به فرانسه، کوشش برای احراز توافق های مشخص، بمنظور دعوت کنفرانس امنیت اروپائی بود. دولت فرانسه مدتهاست که موافقت اصولی خود را برای دعوت این کنفرانس که از لحاظ آینده اروپا دارای اهمیت اساسی است ابراز کرده است. در گذشته، در راه دعوت کنفرانس موانعی وجود داشت که اکثر آنها اکنون مرتفع شده اند. انعقاد قرارداد میان اتحاد شوروی و جمهوری فدرال آلمان، قرارداد میان جمهوری توده ای لهستان و جمهوری فدرال، و همچنین انعقاد قرارداد چهار جانبه برای تعیین وثبیت وضع برلین غربی، قدمهای مؤثری در راه تدارک کنفرانس امنیت اروپائی بوده اند. درست است که هنوز قرارداد های امضا شده در مجالس مقننه کشور های امضا کننده

به تصویب نرسیده اند، و برای اجرای موافقتنامه چهار جانبه، مذاکرات لازم میان دولت آلمان غربی و برلین غربی و جمهوری دموکراتیک آلمان در جریان است، ولی امضای این قراردادها فی نفسه، حاکی از آنست که میان این کشور های اروپائی، مسائلی که از راه مذاکرات صلح آمیز، قابل حل نباشند وجود ندارد.

در گذشته، مخالفین کنفرانس امنیت اروپائی، همشه «مسئله آلمان» را بهانه نفی آن قرار میدادند. همیشه گفته میشد تا وقتیکه «مسئله برلین» حل نشده است، حل هیچ مساله ای در اروپا امکان ندارد. ولی اکنون این سلاح از دست آنها گرفته شده است. امروز محافل تلافی طلب آلمان غربی و دستیاران آنها در سایر کشور های عضو پیمان آتلانتیک در وضع بسیار دشواری قرار دارند. سیاست خارجی صلح آمیز اتحاد شوروی، عملاً این محافل ارتجاعی تجاوز طلب را، در تکنیکای آزار دهنده ای فراز داده است.

# سیاست محرمانه اقتصادی یا بند و بست پشت پرده با غارتگران

کشورهای سوسیالیستی بطور منظم در نشریه ماهانه خود منتشر میسازد ولی افکار عمومی را از محتوی قرار داد های منعقد با کشور های امپریالیستی حتی در مواردی نظیر قرار داد های جدید نفت که دولت آنها را انقلابی در زمینه قرار داد های نفتی بشمار میآورد ، بی خبر میگذارد ؟ جز این است که دولت از افشاء ماهیت این قرار داد ها و چگونگی این مذاکرات بیم دارد ؟

چندی پیش وزارت دارائی به تمام سازمانهای دولتی بخشنامه نمود که رونوشتی از قرار داد های مربوط به اخذ وام و اعتبار های خارجی را « بطور محرمانه به وزارت دارائی بفرستند » تا این وزارتخانه بتواند کلیه اطمینان مربوط باین وامها و اعتبارات را در یکجا متمرکز سازد (کیهان ، ۲۰ اردیبهشت ۱۳۵۰). اگر در این قرار داد ها واقعاً منافع کامل کشور ملحوظ شده است ، چرا

دولت آنها را محرمانه تلقی میکند ؟ جز این است که در این قرار داد ها چنان شرایطی به کشور تحمیل میگردد که دولت جرأت آشکار کردن آنها را ندارد ؟

مذتهاست که دولت ایران برای اخذ اعتبارات و وامهای خارجی از کشورهای امپریالیستی فقط ضمن یک ماده واحده به کسب اجازه کلی از مجلس اکتفا میکند و چگونگی اخذ وام و اعتبار و شرایط دریافت آنها را حتی از مجلس گوش بفرمان خود پنهان میدارد . کار اکنون بجائی رسیده است که بانک اعتبارات صنعتی « از مجلس شورای ملی اجازه گرفته است که رأساً برای اخذ اعتبار از خارج اقدام کند » (کیهان ، ۹ تیر ماه ۱۳۵۰) مجلس ایران با اعطای چنین اختیاری به بانک اعتبارات صنعتی عملاً یکی از مهمترین وظایف و حقوق خود را به یکی از مؤسسات اقتصادی دستگاه مجریه کشور تفویض کرده و عملاً قانون اساسی ایران را زیر پا گذاشته است . در ماده ۲۵ قانون اساسی گفته میشود : « استقرار دولتی

بهر عنوان که باشد خواه از داخله ، خواه از خارجه با اطلاع و تصویب مجلس شورای ملی خواهد شد » .  
قوه مقننه کشور با تصویب قوانینی نظیر قانون جلب سرمایه های خارجی که با روح و کلام قانون اساسی ایران مغایرت دارند ، دست دولت را برای واگذاری بدون کنترل منابع ملی کشور به انحصارات خارجی باز گذارده است . ایجاد شرکتهای و مؤسسات خصوصی خارجی در رشته های گوناگون فعالیت اقتصادی و مالی که سود های کلان خود را آزادانه وبدون کنترل از کشور خارج میکنند و این عمل بمعنای انتقال قسمتی از عایدات و دارائی کشور به خارج است و

هیچکدام به تصویب مجلس نمیرسد ، عملی است مخالف قانون اساسی کشور . اصل بیست و دوم قانون اساسی حاکی است : « مواردی که قسمتی از عایدات یا دارائی دولت و مملکت منتقل یا فروخته و یا تغییری در حدود و ثغور مملکت لزوم پیدا میکند به تصویب مجلس شورای ملی خواهد بود » . اصل بیست و سوم میگوید : « بدون تصویب مجلس شورای ملی امتیاز تشکیل کمیانی و شرکتهای عمومی از هر قبیل و بهر عنوان از طرف دولت داده نخواهد شد » . اصل بیست و چهارم قانون اساسی باز تأکید میکند : « بستن عهد نامه ها و مقاوله نامه ها و اعطای امتیازات ( انحصار ) تجارتمی و صنعتی و فلاحتی و غیره اعم از اینکه طرف داخله باشد یا خارجه باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد ، باستثنای عهدنامه هاییکه استتار آنها صلاح دولت و ملت است » .

برای رفع سوء تفاهم اضافه میکنیم که قانون اساسی « استتار » را فقط به « عهدنامه ها » که مربوط به مسائل سیاسی و امنیتی است محدود کرده و برای آن نیز شرایطی قائل شده است . چنانکه در ماده ۵۲ متمم قانون اساسی به صراحت گفته میشود : « عهد نامه هاییکه مطابق اصل بیست و چهارم قانون اساسی مورخه چهاردهم ذیقعد یکهزار و سیصد و بیست و چهار استتار آنها لازم باشد بعد از رفع محظور همینکه منافع و امنیت مملکتی اقتضا نمود با توضیحات لازمه باید از طرف پادشاه به مجلس شورای ملی و سنا اظهار شود » .

پس از پایان مذاکرات اقتصادی آقای رالف دارنورف ، کمیسر عالی بازار مشترک که در اردیبهشت ماه سال جاری بایران آمده بود ، روزنامه « کیهان » اعلام داشت که « دارنورف حاضر نشد رشته هائی را که بازار مشترک حاضر است در ایران روی آن سرمایه گذاری کند روشن سازد و گفت که این مسائل باید محرمانه بماند » (کیهان ، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۵۰). آقای موریس اج استانس وزیر بازرگانی ایالات متحده امریکا نیز که یک ماه قبل از دارنورف برای « انجام یک سلسله مذاکرات تجاری و اقتصادی در باره توسعه بازرگانی و سرمایه گذاری امریکا » به ایران آمده بود ، علاوه بر کارشناسان اقتصادی ، آقای آردن جمبوز ، معاون مسئول « اسناد و معاهدات محرمانه » وزارت بازرگانی امریکا را نیز همراه خود بایران آورده بود (کیهان ، ۲۲ فروردین ۱۳۵۰). آیا این پنهانکاری غولهای اقتصادی اروپا و امریکای شمالی و مذاکرات محرمانه مقامات کشور با آنها برای حفظ منافع حیاتی ایران است ؟

باین نوشته « تهران اکونومیست » توجه کنید : « در موارد بسیاری مشاهده

## بیکار جهانی اتحاد شوروی در راه حفظ و تحکیم صلح

نکته دیگری که در مذاکرات میان لئونید برژنف و رئیس جمهوری فرانسه مورد بحث قرار گرفت ، بسط مناسبات اقتصادی فرهنگی و فنی ، میان دو کشور بود . در این زمینه نیز توافقاتی همی انجام گرفت . این توافق ها نشانه آنست که جهان سرمایه داری ، مجبور است بتدریج در مناسبات اقتصادی علمی و فنی خود با اتحاد شوروی تجدید نظر کند . دوران محاصره اقتصادی اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی مدتهاست که گذشته است . کشورهای بزرگ سرمایه داری غرب ، با یک قدرت شگرف اقتصادی علمی و فنی روبرو هستند که نمیتواند آنرا ندیده بگیرند .

در سال جاری تولید پولاد اتحاد شوروی از ۱۲۰ میلیون تن تجاوز خواهد کرد . این رقم تقریباً مساوی تولید پولاد در امریکاست . در همین سال تولید نفت در شوروی به ۳۷۰

کرده ایم که مسئولین معدنی کشور ( فقط معدنی ؟ ) اقدامات و فعالیت معدنی را خاصه در زمینه عقد قرار داد های اکتشاف و بهره برداری با خارجیان تا آخرین مرحله مسکوت و مکتوم نگاه میدارند و دلیلی که با حسن نیت بسیار از آن یاد مینمایند « حفظ منافع کشور » است که ما نیز بهمین دلیل و بخاطر حفظ منافع بیشتر کشور آنرا عملی درست نمیدانیم و « مانعی نمی بینم که صدقانه و از روی وطن پرستی یاد آور شویم که با هریک از این پیشنهاد ها ( پیشنهاد های انحصارات خارجی - م ) نفوذی و فشاری همراست است که ما راه مقابله با آنرا تنها جلو کشیدن افکار عمومی مبدانیم » . (تهران اکونومیست سال ۱۳۵۰ ، شماره ۸۹۴ ، صفحه ۳۱). این حقیقتی است که « تهران اکو نومیست » به علل معین و آنهم نه در تمام حجم و جوانب آن آشکار میسازد .

بدیهی است با پنهانکاری و زیر پا گذاردن قانون اساسی نمیتوان منافع واقعی کشور را تأمین نمود . دولت ایران با پنهان کردن جریان حقیقی مذاکرات ، مخفی داشتن متن اصلی قرار داد ها و شرایط واقعی وام ها و اعتبارات و برجسته کردن « پیروزی های بیسابقه » خود میکوشد ماهیت و چگونگی مناسبات اقتصادی خود را با کشورهای امپریالیستی و انحصارات خارجی پرده پوشی کند .

اگر دولت ایران به سالم بودن مناسبات اقتصادی خود با کشور ها و انحصارات امپریالیستی اعتقاد دارد و خود را مدافع حقوق و منافع ایران میدانند باید به انتشار وسیع متن کامل قرارداد های اقتصادی و چگونگی مذاکرات خود با کشور ها و انحصارات امپریالیستی اقدام کند و نه اینکه آنها را محرمانه بشمارد و از افکار عمومی پنهان بدارد .

مسعود

میلیون تن ، تولید گاز ۲۱۰ میلیارد متر مکعب و انرژی برق به ۸۰۰ میلیارد کیلو وات ساعت خواهد رسید .

این ارقام و ارقام مشابه نشانه رشد جوشان یک سیستم اقتصادی است که علی رغم مشکلات موجود راه خود را پیروزمندانه به پیش می کشاید . جهان سرمایه داری ، نمیتواند این واقعیات را نادیده بگیرد و آنها را در سیاست خود مداخله نهد .

رفیق گرشین در نطق خود بمناسبت

پنجاه و چهارمین سالروز انقلاب کبیر اکبر سیاست شوروی را بدین ترتیب توضیح میدهد : « در برنامه فعالیت بین المللی حزب کمونیست اتحاد شوروی ، منافع ملی مردم شوروی و انترناسیونالیسم جزء واحدی را تشکیل میدهند .

صفت مشخصه این برنامه آنستکه از روح ضد امپریالیستی سرشارست و جنبه طبقاتی دارد ، و در عین حال با معضلات بین المللی ، بشکل واقع بینانه و سازنده مقابله میکند و برای حل آنها از طریق مذاکرات و تعاون تلاش مینماید ،

اقدامات ما در صحنه جهانی مبتنی بر ملاحظیات زود گذر و فرصت طلبانه نیستند و بالعکس بر بنیاد سیاست استراتژیک اساسی ناشی از

تحلیل علمی قانونمندیهای تکامل جهانی انجام میگیرند . »

رامین

شماره دوم

## بیکار

نشریه حزب توده ایران  
برای دانشجویان منتشر شد

## توجه

بنیاد آموزش انقلابی

درسنامه برای نوآموزان

مارکسیسم - لنینیسم

منتشر شد

## آگهی

خوانندگان گرامی میتوانند « نشریات

توده » را در برلین غربی از کتابفروشی زیر دریافت کنند :

**Das Europäische Buch**  
**West-Berlin 12**  
**Knesebeckstr. 3**

## هموطنان عزیز !

به این آدرس در استکهلم (سوئد) با رادیو پیک ایران ، ماهنامه مردم ، مجله دنیا و مجله مسائل بین المللی مکاتبه کنید . نظریات ، انتقادات و پیشنهاد های خود را برای بهبود رادیو و مطبوعات و مجموعه فعالیت ما ارسال دارید .

**P. B. 49034**

**10028 Stockholm 49**

**Sweden**

### چگونه رفقارز می و معصوم زاده بوسیله ساواک سر به نیست شدند (اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران)

دبیرخانه کمیته مرکزی در اطلاعیه ۳۰ مهر ماه ۱۳۵۰ خود که در روزنامه «مردم» و رادیوی پیک ایران نشر یافته اطلاع داد که بدنبال تحقیق و کاوش مستمر خود سرانجام اطلاع یافته است که دو تن از رفقای حزبی ما یعنی رفیق حسن رزمی سرگرد سابق ارتش و رفیق محمد حسین معصوم زاده مهندس کشاورزی در مهر ماه سال ۱۳۴۵ بوسیله مأمورین سازمان امنیت از خانه مسکونی خود واقع در تهران ربوده و سر به نیست شده اند.

با آنکه این مطلب بوسیله پیک ایران مکرراً اعلام گردید، سکوت سازمان امنیت در قبال آن نقش جنایتکار وی را در این جریان بیشتر برملا ساخت و اینک، چنانکه در اطلاعیه نامبرده وعده داده ایم، اطلاعات بیشتری را در باره این جنایت فجیع ساواک در اختیار مردم ایران قرار میدهم.

موافق اطلاعات بدست آمده، رفقا رزمی و معصوم زاده در جریان اجراء فعالیت حزبی به هویت برخی عناصر خرابکار و دام گستر وابسته به ساواک که در ظاهر خود را افراد مبارز جلوه گر میساختند پی برده بودند و بهمین جهت وجودشان از طرف سازمان امنیت خطرناک تشخیص داده شد و لذا ساواک تصمیم گرفت این رفقا را برآید و یا آنها را به افزار عمل خویش مبدل سازد و یا در صورتیکه این هدف دست نداد آنها را بی سر و صدا نابود نماید و سپس چنین جلوه گر سازد که گویا این رفقا از فعالیت سیاسی و حزبی کناره گرفته اند و در گوشه نامعلومی زندگی میکنند.

موافق اخبار رسیده ساواک نقشه خود را چنین اجرا کرد، در مهر ماه سال ۱۳۴۵ رفقا رزمی و معصوم زاده را از محل اقامت خود ربود، آنها را تحت شکنجه قرار داد تا از آنها اطلاعات بگیرد و به تسلیم و همکاری وا دارد. این رفقا در این جریان از خود ایستادگی دلیرانه نشان دادند و حاضر نشدند آلت دست ساواک قرار گیرند. در اثر این مقاومت، ساواک تصمیم گرفت نقشه نابودی آنها را عملی نماید و علی ساخت، عمل خرابکار ساواک سپس کوشیدند چنین جلوه گر سازند که رفقا رزمی و معصوم زاده از کار مبارزه کناره گرفته و در گوشه نامعلومی بسر میبرند.

روش ربودن و سر به نیست کردن بی سر و صدای مبارزان مخالف امپریالیسم و استبداد کار تازه پلیس نیست. در مورد رفیق شهید ما زاخاریان و رفیق شهید منزوی و رفیق شهید حریری و دهها تن دیگر همین شیوه نا جوانمردانه اعمال شده است.

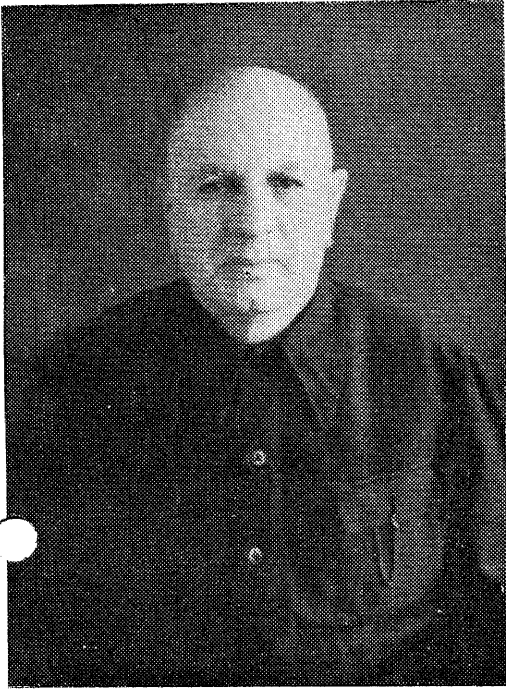
دبیرخانه حزب توده ایران وظیفه خود میداند که این جنایت شرم آور سازمان امنیت را در برابر مردم ایران فاش ساخته یکبار دیگر بانگک اعتراض حزب توده ایران را

نسبت باعمال وحشیانه و غیر انسانی ساواک و علیه رژیم استبدادی و ضد دموکراتیک که منشأ اصلی و اساسی همه این جنایات است بلند کرده افکار عمومی مردم جهان را به پشتیبانی از حقوق انسانی مردم ایران جلب نماید. حزب توده ایران در مورد بازداشت غیر قانونی و قتل رفقا حسن رزمی و محمد حسین معصوم زاده علیه ارتشید نعمت الله نصیری رئیس سازمان امنیت اعلام جرم میکند و از دادستان دیوان عالی کشور میخواهد که بر حسب وظیفه خود در مورد این جنایات تحقیقات لازم بعمل آورده مباشرین، آمرین و مرتکبین را در مراجع قانونی تحت پیگرد قرار دهد. حزب توده ایران این بزهکاری را در مراجع بین المللی مطرح و تعقیب خواهد کرد.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران این ضایعه را بتمام اعضاء حزب، بتمام بازماندگان رفقا رزمی و معصوم زاده، بتمام مبارزین راه استقلال و آزادی کشور ما تسلیت میگوید. خاطره این دو رفیق، دلیری و استواری آنان در راه آرمانهای حزب توده ایران در صفحات تاریخ مبارزات طبقه کارگر ایران باقی خواهد ماند.

دبیرخانه کمیته مرکزی  
حزب توده ایران  
آذر ماه ۱۳۵۰

### شادباش بر رفیق سیروس بمناسبت دریافت مدال لنین



رفیق کههنسال ما سیروس بهرام، همزم حیدر عمو اغلی و یکی از بنیادگزاران حزب کمونیست ایران به افتخار بزرگی نائل آمده است. بمناسبت خدمات اجتماعی و فرهنگی وی از طرف شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی برفیق سیروس مدال لنین که عالی ترین مدال اتحاد شوروی است اعطاء شده. این خبر کلیه دوستان رفیق سیروس را شادمان ساخته است. رفیق سیروس اولین کمونیست ایرانی است که بدریافت مدال

لنین نائل شده است. چنانکه میدانیم رفیق سیروس در حیات ولادیمیر ایلیچ لنین بنمایندگی از طرف کمونیستهای ایران با وی ملاقات کرده است. هیئت تحریریه «مردم» این دستاورد معنوی بزرگ را برفیق سیروس که کاملاً برازنده آنست شادباش میگوید.

هیئت تحریریه مردم

### دنباله برنامه آموزشی از صفحه ۲

کشور ما را جوانان کمتر از ۲۰ سال تشکیل میدهند. افزایش سالی یک میلیون نفر بر این جمعیت موضوع تأمین آموزش عمومی و رایگان، تأمین غذا، مسکن و بهداشت برای آنها را هرچه جدی تر مطرح میسازد.

آهنگ کند رشد آموزش و پرورش، کیفیت نازل آن، کمبودها، نارسائی ها و جهت و هدفی که در پیش گرفته است حتی نیازمندیهای تکامل بطئی و مصیب بار کنونی کشور را در آینده جوارگو نخواهد بود.

آموزش و پرورش ایران به برنامه های دقیق علمی، بودجه فراوان و کادر دلسوز نیازمند است. کشور ما برای رفع عقب ماندگیهای فراوان خویش باید بتواند نیروی لازم را برای ایجاد یک سازمان وسیع آموزشی که همه کودکان و جوانان ما بتوانند بدون برخورد با مانع مراحل مختلف آنرا بیامینند، برای آموزش همگانی و رایگان و انسانی تجهیز کند.

در برنامه دولت در آنجا که از آموزش و پرورش سخن میگوید، جز ترسیم یک تابلوی کاذب از وضع کنونی و وعده های بی پشتوانه برای آینده چیزی دیده نمیشود.

برنامه آموزشی دولت هیچ آینده امید بخشی را ب مردم نوید نمیدهد.

ا. فروزان

### ما به اعدامهای اخیر

#### شدیداً اعتراض میکنیم

اطلاعیه اخیر سازمان امنیت در باره تیرباران پنج جوان بنامهای همایون کتیرائی، ناصر مدنی، بهرام طاهر زاده، هوشنگ پرگل، ناصر کریمی و محکومیت یک جوان دیگر بنام محمد حسینی، برآورده برندان ابد روز ۱۸ آبان در روزنامه های، رن، انتشار یافت. این عمل تبهکارانه نمودار دیگری از ماهیت استبدادی رژیم است که مرز کاپیه قوانین مربوط به حقوق و آزادی های انسانی را شکسته و در این زمینه خود را موظف برعایت هیچ اصلی نمیداند. مطبوعات و افکار عمومی ایران و جهان تنها پس از تیرباران میهن پرستان از اعدام آنان مطلع میشوند بی آنکه قبلاً در جریان علل بازداشت، محاکمه و محکومیت آنان قرار گرفته باشند. فضاقت قانون شکنی های رژیم افکار عمومی جهان را نیز با اعتراض واداشته است. «اتی بن ژودل» و «کیل دادگستری فرانسه که اخیراً از جانب فدراسیون جهانی حقوق بشر به تهران رفته بود میگوید: «در ایران بازداشت امری است روزمره. وقتی افراد را بازداشت میکنند دیگر اثر و نشانی از آنها نیست، خانواده ها و وکلای مدافع با دوار سکوت روبرو میشوند. یک چنین بی اعتنائی نسبت به قوانین اولیه نادر است.»

طبق اطلاع روزنامه های خارجی از ماه اوت به بعد تعداد زیادی میهن پرست بازداشت شده اند که دولت ایران کوچکترین خبری در باره آنان منتشر نکرده است. بازداشت های اخیر موجی از اعتراض در خارج کشور برانگیخته است، از جمله دانشجویان ایرانی مقیم فرانسه برای همستگی با بازداشت شدگان دست به اعتصاب غذا زدند.

ما شدیداً بااعدامها و بازداشت های اخیر معترضیم و از افکار عمومی ایران و جهان طلب میکنیم برای آزادی بازداشت شدگان اخیر و سایر زندانیان سیاسی به اقدامات وسیع و متحد دست بزنند.

### سپاسگزاری

بمناسبت درگذشت رفیق فقید کامبخش از طرف برخی احزاب برادر که از رفیق ما بعنوان یکی از اعضاء میرز جنبش کمونیستی و کارگری جهانی یاد کرده اند، و نیز از طرف سازمانها و رفقای حزبی و دوستان رفیق فقید نامه ها و تلگرافهای تسلیت خطاب به کمیته مرکزی حزب توده ایران و همسر رفیق فقید واصل گردیده است که حاکی از مراتب همدردی و حس احترام عمیق آنها نسبت برفیق عزیز ما کامبخش است. دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران از کلیه کسانی که در این سوگواری ابراز همدردی کرده اند تشکر میکند. دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

### قابل توجه خوانندگان گرامی

برای آنکه در دریافت نشریات توده هیچگونه وقفه ای رخ ندهد، از خوانندگان گرامی خواهشمندیم که تغییر آدرس خود را بموقع اطلاع دهند.